

# کد ویژه کردستان

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

## هشدار به خلق های ایران پیرامون وضعیت بحرانی پیرانشهر

## عناصر ارتجاعی دست اندرکار توطئه ای دیگرند

مردم پیرانشهر بخاطر وحشت از پیش آمدن فاجعه ای مثل نطقه، شهر را برای مدتی ترک کردند، هیأت حاکمه موقعیت را برای استقرار پلیس و ژاندارمری مساعد تشخیص داده و استاندار آذربایجان غربی را به همین منظور به پیرانشهر می فرستاد. استاندار نخست به گزگسک، پیش شیخ رفته و بعد از آن موضوع استقرار ژاندارمری را اعلام می کند. این تصمیم مورد مخالفت شدید مردم قرار گرفت که با تظاهرات وسیعی تنفر خود را از این تصمیم دولت اعلام نمودند. ولی موضوع ژاندارمری بعد بنحو دیگری عنوان شد، به این صورت که بعد از مذاکره با نمایندگان شورای شهر مهاباد و شورای شهر پیرانشهر اعلام شد که یک نیروی انتظامی متشکل از افراد بومی تشکیل خواهد شد. در پی آن آیت الله ربانی شیرازی نماینده اعزامی از قم وارد منطقه شده، ایشان نیز به گزگسک می رود و در آنجا توافقنامه ای به امضای آیت الله ربانی، شیخ گزگسک، سرپرست اعزامی ژاندارمری پیرانشهر، فرمانده تیپ متخل امضاء می شود. به ترتیب ایجاد ژاندارمری بلامانع و لازم تشخیص داده می شود. مردم باز عکس العمل شدیدی در مقابل این توافقنامه نشان می دهند. ولی با وجود مخالفت و عکس العمل مردم، فرمانده لشکر به فرمانده تیپ دستور می دهد که افراد بومی را برای ژاندارمری استخدام کنند و در تشخیص صلاحیت آن ها به نظرات دو نفر تکیه شود که یکی از آن ها پسر شیخ گزگسک و دیگری معلمی بنام علی خدائی می باشد که از عمال رژیم سابق بوده و در شاهدوستی

مردم پیرانشهر بخاطر وحشت از پیش آمدن فاجعه ای مثل نطقه، شهر را برای مدتی ترک کردند، هیأت حاکمه موقعیت را برای استقرار پلیس و ژاندارمری مساعد تشخیص داده و استاندار آذربایجان غربی را به همین منظور به پیرانشهر می فرستاد. استاندار نخست به گزگسک، پیش شیخ رفته و بعد از آن موضوع استقرار ژاندارمری را اعلام می کند. این تصمیم مورد مخالفت شدید مردم قرار گرفت که با تظاهرات وسیعی تنفر خود را از این تصمیم دولت اعلام نمودند. ولی موضوع ژاندارمری بعد بنحو دیگری عنوان شد، به این صورت که بعد از مذاکره با نمایندگان شورای شهر مهاباد و شورای شهر پیرانشهر اعلام شد که یک نیروی انتظامی متشکل از افراد بومی تشکیل خواهد شد. در پی آن آیت الله ربانی شیرازی نماینده اعزامی از قم وارد منطقه شده، ایشان نیز به گزگسک می رود و در آنجا توافقنامه ای به امضای آیت الله ربانی، شیخ گزگسک، سرپرست اعزامی ژاندارمری پیرانشهر، فرمانده تیپ متخل امضاء می شود. به ترتیب ایجاد ژاندارمری بلامانع و لازم تشخیص داده می شود. مردم باز عکس العمل شدیدی در مقابل این توافقنامه نشان می دهند. ولی با وجود مخالفت و عکس العمل مردم، فرمانده لشکر به فرمانده تیپ دستور می دهد که افراد بومی را برای ژاندارمری استخدام کنند و در تشخیص صلاحیت آن ها به نظرات دو نفر تکیه شود که یکی از آن ها پسر شیخ گزگسک و دیگری معلمی بنام علی خدائی می باشد که از عمال رژیم سابق بوده و در شاهدوستی

مردم پیرانشهر بخاطر وحشت از پیش آمدن فاجعه ای مثل نطقه، شهر را برای مدتی ترک کردند، هیأت حاکمه موقعیت را برای استقرار پلیس و ژاندارمری مساعد تشخیص داده و استاندار آذربایجان غربی را به همین منظور به پیرانشهر می فرستاد. استاندار نخست به گزگسک، پیش شیخ رفته و بعد از آن موضوع استقرار ژاندارمری را اعلام می کند. این تصمیم مورد مخالفت شدید مردم قرار گرفت که با تظاهرات وسیعی تنفر خود را از این تصمیم دولت اعلام نمودند. ولی موضوع ژاندارمری بعد بنحو دیگری عنوان شد، به این صورت که بعد از مذاکره با نمایندگان شورای شهر مهاباد و شورای شهر پیرانشهر اعلام شد که یک نیروی انتظامی متشکل از افراد بومی تشکیل خواهد شد. در پی آن آیت الله ربانی شیرازی نماینده اعزامی از قم وارد منطقه شده، ایشان نیز به گزگسک می رود و در آنجا توافقنامه ای به امضای آیت الله ربانی، شیخ گزگسک، سرپرست اعزامی ژاندارمری پیرانشهر، فرمانده تیپ متخل امضاء می شود. به ترتیب ایجاد ژاندارمری بلامانع و لازم تشخیص داده می شود. مردم باز عکس العمل شدیدی در مقابل این توافقنامه نشان می دهند. ولی با وجود مخالفت و عکس العمل مردم، فرمانده لشکر به فرمانده تیپ دستور می دهد که افراد بومی را برای ژاندارمری استخدام کنند و در تشخیص صلاحیت آن ها به نظرات دو نفر تکیه شود که یکی از آن ها پسر شیخ گزگسک و دیگری معلمی بنام علی خدائی می باشد که از عمال رژیم سابق بوده و در شاهدوستی

مردم پیرانشهر بخاطر وحشت از پیش آمدن فاجعه ای مثل نطقه، شهر را برای مدتی ترک کردند، هیأت حاکمه موقعیت را برای استقرار پلیس و ژاندارمری مساعد تشخیص داده و استاندار آذربایجان غربی را به همین منظور به پیرانشهر می فرستاد. استاندار نخست به گزگسک، پیش شیخ رفته و بعد از آن موضوع استقرار ژاندارمری را اعلام می کند. این تصمیم مورد مخالفت شدید مردم قرار گرفت که با تظاهرات وسیعی تنفر خود را از این تصمیم دولت اعلام نمودند. ولی موضوع ژاندارمری بعد بنحو دیگری عنوان شد، به این صورت که بعد از مذاکره با نمایندگان شورای شهر مهاباد و شورای شهر پیرانشهر اعلام شد که یک نیروی انتظامی متشکل از افراد بومی تشکیل خواهد شد. در پی آن آیت الله ربانی شیرازی نماینده اعزامی از قم وارد منطقه شده، ایشان نیز به گزگسک می رود و در آنجا توافقنامه ای به امضای آیت الله ربانی، شیخ گزگسک، سرپرست اعزامی ژاندارمری پیرانشهر، فرمانده تیپ متخل امضاء می شود. به ترتیب ایجاد ژاندارمری بلامانع و لازم تشخیص داده می شود. مردم باز عکس العمل شدیدی در مقابل این توافقنامه نشان می دهند. ولی با وجود مخالفت و عکس العمل مردم، فرمانده لشکر به فرمانده تیپ دستور می دهد که افراد بومی را برای ژاندارمری استخدام کنند و در تشخیص صلاحیت آن ها به نظرات دو نفر تکیه شود که یکی از آن ها پسر شیخ گزگسک و دیگری معلمی بنام علی خدائی می باشد که از عمال رژیم سابق بوده و در شاهدوستی

خلق های مبارز ایران! در حالی که بدنبال فاجعه های جبران ناپذیر سنج، گنبد، و نطقه، هم اکنون شاهد فاجعه درد آور دیگری از همین دست در خرمشهر هستیم، وقایعی در پیرانشهر می گذرد که این شهر و منطقه را آستان حوادث مشابهی گردانیده است. ما ضمن تشریح وضعیت حاکم بر این شهر و منطقه، در عین این که از هم میهنان آگاه و مبارز خود می خواهیم تمام تلاش خود را در جهت جلوگیری از بروز فاجعه در این شهر بکار گیرند، به دولت و هیأت حاکمه کشور هشدار می دهیم که هرگونه تأیید و یا ادامه حمایت از مرتجعین ضد خلق محلی، هرگونه سکوت و برخورد تأیید آمیز در مقابل جولان قیاده موقتی ها در منطقه و تجاوز فئودال ها به دهقانان، هرگونه بی توجهی به خواست ها و نظرات مردم در مورد استقرار نیروی انتظامی مورد تأیید مردم در منطقه، سعی در تحمیل پلیس و ژاندارمری ضد خلقی به مردم، و هرگونه عدم توجه به تجاوزات و جنایات افراد مستقر در یادگان چلدا از در حق مردم به فاجعه ای منتهی خواهد شد که مسئولیت آن مستقیماً متوجه دولت و هیأت حاکمه خواهد بود. و اینک وضعیت شهر:

۱- سید طه کمالی زاده (شیخ گزگسک) که از ایادی سابق رژیم منصور پهلوی، همدست فئودال ها، قیاده موقت، و مرتجع ترین عنصر روحانی منطقه می باشد، همراه با دارودسته خود بزرگترین عامل بحران در منطقه می باشد. این شخص در حالی که مورد نفرت و انزجار مردم می باشد، از سوی دولت و هیأت حاکمه پشتیبانی

### دربخورد میان دهقانان و اربابان :

## دولت جانب اربابان را گرفته است

نمودند که اگر قانون را (یعنی قانونی که در زمان آریامهر به آن ها تحمیل شده) مراعات نکنند به وسیله نیروهای نظامی سرکوب خواهند شد. ولی روستائیان با انکاه به همسنگی و نیروی خود اعلام کردند که از این زمین ها و محصولاتشان قاطعانه در مقابل مالکان و زمینداران بزرگ دفاع خواهند کرد. ما هشدار می دهیم که خطر وجود آمدن «گنبدی دیگر» در این منطقه هر روز نزدیک و نزدیک تر می شود. دولت و کمیته ها این بار نیز جانب اربابان را گرفته و علیه دهقانان و جادرنشینان زحمتکش این روستاها بسیج شده اند. ما اعلام می داریم که مسئولیت هرگونه درگیری و خونریزی در منطقه مستقیماً متوجه دولت و عواملش خواهد بود.

روستائیان و جادرنشینان محروم و زحمتکش ایل باوه جانی، و روستاهای طلسم، زردآوا، چقا کچکینه، گایانه خور ساکن دشت کردند سال های سال است که توسط اربابانی همچون امیر احتشامی و پسرش حسن خان احتشامی، بیژن خان، عبدالله خان، و مرتضی خان ملک نیازی و... حاصل رنج و زحمتشان به غارت می رود. در جریان مبارزات پرشکوه خلق های قهرمان میهنان این روستائیان و جادرنشینان ستم دیده زمین های را که مالکین خون آشام فوق در زمان اصلاحات ارضی درویش شاه باز بودند و همکاری با مأمورین اصلاحات ارضی و با استفاده از نیروی سرکوبگر ژاندارمری آریامهری غصب نموده بودند، باز پس گرفتند. این زحمتکشان با این خیال که قیام خلق های میهنان، به بیروزی کامل رسیده و دولتی انقلابی و حافظ منافع کارگران و دهقانان قدرت را به دست گرفته این زمین ها را کشت نمودند. اکنون که فصل برداشت محصول فرا رسیده، دستگاه های قضائی دولت احکامی صادر نمودند که روی بیدادگاه های آریامهری را سفید کرده است. در زمانی که دولت ادعا می کند که انقلابی و حافظ منافع «مستضعفین» می باشد دادگاه ها و کمیسیون های پنج نفره اش، زمین را

روستائیان و جادرنشینان محروم و زحمتکش ایل باوه جانی، و روستاهای طلسم، زردآوا، چقا کچکینه، گایانه خور ساکن دشت کردند سال های سال است که توسط اربابانی همچون امیر احتشامی و پسرش حسن خان احتشامی، بیژن خان، عبدالله خان، و مرتضی خان ملک نیازی و... حاصل رنج و زحمتشان به غارت می رود. در جریان مبارزات پرشکوه خلق های قهرمان میهنان این روستائیان و جادرنشینان ستم دیده زمین های را که مالکین خون آشام فوق در زمان اصلاحات ارضی درویش شاه باز بودند و همکاری با مأمورین اصلاحات ارضی و با استفاده از نیروی سرکوبگر ژاندارمری آریامهری غصب نموده بودند، باز پس گرفتند. این زحمتکشان با این خیال که قیام خلق های میهنان، به بیروزی کامل رسیده و دولتی انقلابی و حافظ منافع کارگران و دهقانان قدرت را به دست گرفته این زمین ها را کشت نمودند. اکنون که فصل برداشت محصول فرا رسیده، دستگاه های قضائی دولت احکامی صادر نمودند که روی بیدادگاه های آریامهری را سفید کرده است. در زمانی که دولت ادعا می کند که انقلابی و حافظ منافع «مستضعفین» می باشد دادگاه ها و کمیسیون های پنج نفره اش، زمین را

اتهامات و پیش کشیدن حیل های رنگارنگ، هر روز توطئه جدیدی را تدارک می بینند. و امروز تمام این توطئه ها را متوجه کردستان کرده اند. روزی نیست که خبری از تجاوزهای بیشرمانه فئودال ها و دارودسته «قیاده موقت» به گوش نرسد. امروز از پاوه، میوان، بسطام، پیرانشهر و فردا از جاهای دیگر. آیا همه این اقدامات تصادفی است؟ مطمئناً نه. دولت و تمام حامیانش سعی در خلع سلاح خلق های رزمنده و تحویل این سلاح ها به مرتجعین محلی دارند. امروز دستان کثیف مشغول بوجود آوردن آن چنان وضعیتی هستند که به اصطلاح باسداران کمیته ها، ژاندارمری این دشمن دیرینه زحمتکشان ارتش این عمده ترین تکیه گاه امپریالیسم و ارتجاع داخلی که به سرعت بازسازی می شود، انواع سلاح های مدرن آمریکائی را در سرکوب خلق کرد به نمایش بگذارند. ولی زحمتکشان شهر و روستا با هوشیاری تمام، این توطئه ها را خنثی خواهند کرد. مقاومتیکه روستائیان ستم دیده در مقابل ماجراجوئی های فئودال ها می کنند، دقیقاً به همین خاطر است و موارد زیادی بوده که این توطئه ها در مقابل اتحاد روستائیان زحمتکش در نطفه خفه شده است. بار دیگر به دولت هشدار می دهیم که بیش از این به تقویت مرتجعین محلی نپردازد، و بداند که در مقابل خلقی یکپارچه و مصمم برای بازپس گرفتن حقوق طبیعی خود، همه نیرونگ ها، بی رنگ خواهد شد. خلق هائی که بساط رژیم خودکامه آریامهری را با اراده پولادین خود در هم کوبیدند، قطعاً توانائی مقاومت در برابر این توطئه ها را هم خواهند داشت.

اینگ توطئه دیگری در کردستان در شرف تکوین است. آنچه که از مدت ها پیش انتظارش می رفت، امروز در حال اجراست. و شاید حوادث پیرانشهر سرآغاز حوادث دیگری باشد. خبرهای موثقی که در دست است، از پیوندهای نامیمون مرتجعین و کرد روشانی نظیر شیخ گزگسک «قیاده موقت» و فئودال ها از یک سو و ملاحسنی این روحانی نما و قاتل مردم مبارز نطقه و سردمداران ارتش به اصطلاح اسلامی و ملی از سوی دیگر، حکایت می کند. ما در طی اعلامیه ها و خبرنامه های قبلی خود از ماهیت این دشمنان کثیف مردم پرده برداشته، نیازی به تکرارش نمی بینیم. ولی یک مسأله را با تأکید فراوان مطرح می کنیم.

امروزه، کردستان به بحرانی ترین کانون میهن ما تبدیل شده است. امرای ارتش طی تماس های پی در پی با مرتجعین محلی و پخش انواع سلاح ها بین آنان، سعی می کنند جبهه متحدی از مرتجعین محلی در مقابل زحمتکشان کرد ایجاد کنند. آمدن تیمسار فرید رئیس ستاد کل ارتش جمهوری اسلامی به ارومیه و پیرانشهر و ملاقاتش با عناصر ارتجاعی و پخش صدها قبضه سلاح بین فئودال ها و دارودسته «قیاده موقت» این سرپرندگان امپریالیسم آمریکا توسط ملاحسنی بی ارتباط با همدیگر نیستند. همین چند روز پیش (۵۸/۴/۲۱) ما سندی از صدها سند خیانت شیخ گزگسک را در خبرنامه شماره ۲۱ چاپ کردیم سندی که مثل هزاران سند دیگر نشان دهنده حمایت بی چون و چرای دولت به اصطلاح انقلابی وقت از دشمنان خلق کرد است.

این حرکات ارتجاعی و این توطئه ها بخاطر چیست؟ بنظر ما این اعمال ضد خلقی برای بی جواب گذاشتن آن خواست های اساسی زحمتکشان کرد است که برای دستیابی به آن بارها مبارزه کرده و صدها تن از بهترین جوانانش را قربانی داده است. خلق ستم دیده کرد مثل دیگر خلق های ایران در فرودای انقلاب، (انقلابی که ناتمام مانده) انتظار عملی شدن خواست های خود را داشت. ولی پاسخ تمامی این انتظارات با سیاست های ارتجاعی هیأت حاکمه فعلی جواب داده شد. برآستی هم، از دولتی که نماینده زحمتکشان نیست، انتظاری غیر از این نمی توان داشت. دولتی که جواب فریادهای حق طلبانه خلق ها را با مانور هواپیماهای جنگی و تسلیح فئودال ها پاسخ می گوید. دشمنان قسم خورده خلق ها با توسل به انواع

ما بدین وسیله از تمام نیروهای خلقی می خواهیم که از حق قانونی روستائیان و ایل باوه جانی حمایت نمایند. ناپود باد اتحاد توطئه گران و زمینداران بزرگ پیروز باد مبارزه دهقانان ایل باوه جانی روستائیان طلسم، گایانه خور، چقا کچکینه و زردآوا

## حق تعیین سرنوشت خلق ها ضامن وحدت و یکپارچگی

# قسمتی از تجربیات کارگران کورۀ آجرپزی پاشائی

ما کارگران کورۀ پاشائی هرکدام از جانی آمده ایم و اول همدیگر را خوب نمی شناختیم ولی رفته رفته در اثر کار مشترک و رنج هایی که در اثر کار سخت کشیدیم فهمیدیم که کارگران از هر کجا آمده باشند و با هر کس کار کنند هیچ فرقی با هم ندارند آن ها همه زحمتکش و رنجبرند و سرمایه دار خون همه آن ها را هم مثل زالو می مکند. ما فهمیدیم که سرمایه دار برای اینکه دسترنج ما را هر چه بیشتر غارت بکند همیشه می خواهد از راه های مختلف بین ما کارگران جدائی بیندازد. برای اینکه سرمایه دار خودش مستقیماً با ما در گیر نشود سعی می کند از وجود سرکارگرهای خود فروخته بر علیه ما استفاده کند. سرکارگر طرفدار سرمایه دار است او می خواهد ما را فریب دهد و از هر راهی شده می خواهد خودش را طرفدار ما نشان دهد ولی وقتی خواست های خود را می گوئیم فوری از سرمایه دار دفاع می کند.

ما چون اول سرکارگر را نمی شناختیم او را دوست داشتیم ولی بعد فهمیدیم که اشتباه می کردیم او با ما خیانت کرد. همانطور که می دانید سرمایه دار تمام تجربه های آجرپزی خیلی سخت است ولی مزد کم می دهند. ما می خواستیم مزدمان زیاد شود ولی هر وقت اعتراض می کردیم می گفتند در کورۀ های دیگر هر قدر مزد بدهند ما از آن هم زیادتر خواهیم داد.

ولی ما می دانستیم که صاحب کورۀ ها با هم جمع می شوند و قیمت مساوی برای کارگرها می گذارند و مظلومان هستند که هیچ کورۀ ای خود بخود مزد کارگر را افزایش نخواهد داد بیند سرمایه دارها چقدر برای مکیدن خون ما با هم یکی هستند پس چرا ما متحد نباشیم؟

ما اول راضی بودیم که مزد ما ۵۸ تومان بشود ولی او مخالفت کرد. کم کم با هم متحد شدیم از همدیگر پشتیبانی کردیم ما به این فکر افتادیم که چکار بکنیم که یکپارچه از حق خود دفاع کنیم بالاخره بعد از صحبت های زیاد به این نتیجه رسیدیم که برای این که بهتر و یکپارچه تر بتوانیم در مقابل سرمایه دار بایستیم باید نماینده های واقعی خود را انتخاب بکنیم و حرف های خود را از طریق شورای خود هر چه رساتر و بلندتر به کارفرما بگوئیم و بنابراین ما شورای خود را انتخاب کرده نزد صاحب کورۀ فرستادیم تمام ما واقعا از شورائی که خود انتخاب کرده بودیم پشتیبانی کردیم، اعتصاب کرده و دو روز کار را خوابانیدیم آجرها تمام شد و صاحب کورۀ مجبور گردید مزد ما را ۶۰ تومان بکند. ما فهمیدیم که اینطور باید حق خود را بگیریم.

صاحب کورۀ می گفت شما را تحریک می کنند و الا شما این چیزها را نمی دانید. بیند سرمایه دارها چه فکری درباره ما می کنند چقدر به کارگرانی که روز تا شب عرق می ریزند توهین می کنند. نه کسی ما را تحریک نکرده ما خودمان شعور داریم تا کی باید خاموش باشیم و حق ما را بخورند ما با اتحاد خود جواب دندان شکنی به این توهین بی شرمانه دادیم. چون با هم بودیم توانستیم به خواست های خود برسیم. یادتان می آید وقتی که با هم متحد نبودیم هیچکاری نمی توانستیم بکنیم، یکی می گفت مزد کم است کارفرما می گفت تسویه

حساب کن، یکی می گفت وسیله ام شکسته چیز خرابی به او می داد یا اصلاً جوابش را نمی داد ولی وقتی متحد شدیم و از هم پشتیبانی کردیم توانستیم به حق خود برسیم. تمام کارگران از همدیگر پشتیبانی کردند، چرخ کش ها - کورۀ چین ها - آن ها هم مثل ما صبح تا شب زحمت می کشند باید اینطور باشد کارگر باید پشتیبان کارگر باشد چون تمام کارگران دردشان یکی است و همیشه از طرف سرمایه دار ظلم می بینند.

یکی از حیلۀ های سرمایه دار این است که به بعضی از ماها می گوید تو صدا نکن و کاری به دیگر کارگرها نداشته باش مزد تو را زیاد می کنم و می خواهد این طور صفت متحد ما را درهم شکند چون خوب می داند و خیلی بهتر هم می داند که اگر تمام ما کارگرها با هم باشیم زودتر به خواست های خود می رسیم. ما چطور می توانیم تن به این خیانت بدهیم، وجدان کدام کارگر راضی می شود که کارگر دیگر صبح تا شب پایی زنی و بچه های خود عرق بریزد و جان بکند ولی حق او را بخورند و بما بگویند به شما مزد زیاد می دهیم کاری بکار دیگر کارگرها نداشته باشید کدام کارگر می تواند خاموش باشد و به دوست کارگر خود خیانت کند؟ کارفرما با آن همه ثروت ۱۵ ریال حق کرایه نفت از ما می گیرد به بهانه های مختلف سعی می کند حتی تا آخرین دینار از مزدم کم کند. هزاری ۲۰ عدد آجر برای اکت از ما کم می کند وقتی می خواهد آجرهای باران زده را از ما تحویل بگیرد با بی شرمی می گوید ۲۰۰ تا ۳۰۰ تا حتی گاهی هزار آجر را باید بمن ببخشد ولی خودش حاضر نیست دستمزد ما را حتی ۲ ریال افزایش دهد.

بما می گویند چریک های فدائی تحریکشان می کنند ما با کسی هستیم که از ما پشتیبانی کند. اگر راست می گوئید حق ما را بدهید. کسی ما را تحریک نمی کند ما خودمان انسانیم سرمایه دار همیشه بما فشار می آورد برای همین است که برای گرفتن حق خود راهی جز اعتصاب نداریم. تمام کارهای کورۀ را ما می کنیم اگر ما کار نکنیم آیا آن ها می توانند جیب گشادشان را پر کنند اصلاً کی می تواند کورۀ را بگرداند. کارفرما الکسی می گوید که من کورۀ را تعطیل می کنم آن وقت چطور خواهد توانست سالانه صاحب میلیون ها تومان باشد.

اگر شماها هم مثل ما متحد شوید می توانید به خواست های خود برسید. اگر شما هم شورا تشکیل بدهید مثل ما می توانید حرف های یکپارچه تر بگوئید. ولی باید يك مسئله خیلی مهم را همیشه در نظر داشته باشیم: شورا باید واقعا از منافع کارگرها دفاع کند و کسانی باید در شورا انتخاب شوند که دستشان مثل دست ما، پایشان مثل پای ما و زندگی شان مثل زندگی ما باشد. شورای کارگران کورۀ آجرپزی پاشائی از تمام کارگران کورۀ های دیگر پشتیبانی می کند.

شورای منتخب کارگران کورۀ آجرپزی پاشائی  
۵۸/۴/۳

# قطعنامه کارگران کوره پزی پاشائی

ما کارگران کورۀ پزی از زحمتکش ترین محروم ترین کارگران هستیم. هر کس نگاهی به وضع زندگی ما بکند می بیند که کارفرمای خونخوار چقدر شیره جان ما را می مکند قبل از طلوع آفتاب به کار مشغول می شویم و تا پاسی از شب عرق می ریزیم در مقابل این همه رنج و زحمت ما نمی توانیم شکم خود وزن و بچه های خود را سیر کنیم در حالی که سرمایه دار با فروش آجرهایی که با خون دست و عرق پاشائی ما وزن و بچه های ما درست شده پول زیادی به جیب می زند هر کس نگاهی به وضع ما وزن و بچه ما و به وضع سرمایه دار و زن و بچه او بکند ظلمی را که به ما می شود خواهد فهمید. کارفرما نه تنها حق ما را می خورد بلکه با ما رفتار غیر انسانی هم می کند بچه های ما به جای این که در مدرسه درس بخوانند پایه پای ما در میان گل ولای و زیر آفتاب سوزان دست و پا می زنند و اغلب مریض می شوند حالا می بینیم بعد از فرار شاه جلاد وضع ما هیچ بهتر نشده است چون ما فکر می کردیم بعد از این همه خون ریخته شده کارگران و زحمتکشان زندگی ما بهتر خواهد شد و حداقل خواست های خود را بدست خواهیم آورد ولی

حقیقت غیر از این بود ما هم برای بدست آوردن خواست های ابتدائی خود به این نتیجه رسیدیم که فقط از راه اتحاد تمام کارگران می توانیم این هدف را دنبال کنیم بنابراین با هم صحبت کردیم چون همه دردهای ما کارگرها یکی است و زندگی خیلی ناراحت کننده ای داریم تصمیم گرفتیم که برای رسیدن به حق خود شورائی از کارگران که واقعا از حق ما دفاع می کنند انتخاب کنیم و درباره مشکلات خود تصمیم بگیریم ما تا رسیدن به خواست های زیر دست از کار می کشیم:

- ۱- دستمزد هر هزار عدد آجر ۷۰۰ ریال
- ۲- تهیه آب آشامیدنی سالم برای هر خانواده
- ۳- بیمه شدن همه کارگران
- ۴- يك دستگاه ماشین برای رفت و آمد
- ۵- پرداخت دستمزد آجرهای باران زده قبلی
- ۶- عطا کارگران رحمان کاکه روشی را به نمایندگی قبول نداریم و خواهان به رسمیت شناختن شورای کارگری فعلی هستیم.
- ۷- پرداخت دستمزد روزهای که ما را بیکار کرده اند
- ۸- پرداخت پول بابت صاف کردن میدان های کورۀ
- ۹- فراهم آوردن امکانات بهداشتی از قبیل خانه، حمام، توالت و غیره.

شورای منتخب کارگران کورۀ پزخانه پاشائی  
۵۸/۳/۲۷

## اعتصاب

## موفقیت آمیز کارگران کورۀ پزخانه های مهاباد

کارگران کورۀ آجرپزی پاشائی واقع در ۳۰ کیلومتری جاده مهاباد - میان دو آب بدنای طرح خواست های خود، از جمله افزایش دستمزد تا هزاری ۷۰۰ ریال از روز پنجشنبه ۵۸/۳/۲۴ دست به اعتصاب زدند. کارگران در جریان اعتصاب، برای پیشبرد هدف های خود نمایندگان شان را انتخاب نموده و در نتیجه یکپارچگی و اتحادشان توانستند پس از ۴ روز به برخی از خواست های شان برسند. از جمله این که روی دستمزد هزاری ۶۰۰ ریال توافق حاصل شد. بدنای این اعتصاب، کارگران کورۀ های آجرپزی رحیم آسادی اول، رحیم آسادی دوم (حسن آباد)، جعفر آباد و حقیقت، واقع در جاده مهاباد - ارومیه نیز از تاریخ ۵۸/۳/۲۹ دست به اعتصاب زدند. این کارگران که شامل قالب دار، چرخ کش و کورۀ چین هستند، جلو دفتر رحیم خرازی صاحب کورۀ های رحیم آباد و حسن آباد جمع شده، خواستار رسیدگی فوری به خواست های خود شدند و در نتیجه اتحاد و یکپارچگی شان به حداقل خواست خود که افزایش دستمزد ایشان بود، رسیدند. نتیجتاً مزد آن ها در حدود ۲۵ درصد افزوده شد. کارگران این کورۀ های آجرپزی نیز در جریان اعتصاب خود به این نتیجه رسیدند که باید دارای نمایندگان واقعی خود باشند تا بتوانند مسائل و مشکلات خود را هر چه بهتر بررسی کرده و راه حل آن ها را بیابند.

مهاباد - ارومیه نیز از تاریخ ۵۸/۳/۲۹ دست به اعتصاب زدند. این کارگران که شامل قالب دار، چرخ کش و کورۀ چین هستند، جلو دفتر رحیم خرازی صاحب کورۀ های رحیم آباد و حسن آباد جمع شده، خواستار رسیدگی فوری به خواست های خود شدند و در نتیجه اتحاد و یکپارچگی شان به حداقل خواست خود که افزایش دستمزد ایشان بود، رسیدند. نتیجتاً مزد آن ها در حدود ۲۵ درصد افزوده شد. کارگران این کورۀ های آجرپزی نیز در جریان اعتصاب خود به این نتیجه رسیدند که باید دارای نمایندگان واقعی خود باشند تا بتوانند مسائل و مشکلات خود را هر چه بهتر بررسی کرده و راه حل آن ها را بیابند.

## اعتصاب و تحصن کارگران آب و برق سد مهاباد

کارگران سد مهاباد از شنبه ۲ خرداد بخاطر قطع اضافه کاری های خود شروع به اعتصاب کرده و در محوطه اداری سد متحصن شده اند. قرار است کارگران نامه ای به مقامات مسئول نوشته و خواسته های خود را مطرح کنند. از جمله خواسته های کارگران درخواست رسمی شدن کارگرانی است که قبلاً اخراج شده بودند و اخیراً سرکار برگشته اند. کارگران گفته اند که اگر به خواسته های ما جواب داده نشود از ورود کارکنان اداری سد به محل کارشان جلوگیری خواهیم کرد.

# هشدار به خلقه های ایران...

بقیه از صفحه ۱  
و اداری کنند تا آتش يك جنگ دامنه دار در منطقه شعله ور سازند. جریاناتی هم که در درون پادگان می گذرد، این گمان را تقویت می کند. مثلاً در روز ۱۲ خرداد در داخل پادگان يك درگیری پیش می آید ه گفته می شود ۴ نفر بقتل رسیده اند به دنبال این درگیری مشاهده شده که تعداد زیادی از افراد قیاده وقت مرتب وارد پادگان می شوند. و نیز عده ای از افسران گارد در پادگان دیده شده اند. به دنبال حادثه فوق پادگان سپه که در ۱۰ کیلومتری پادگان جلدیان قرار گرفته، اعلام آماده باش نموده و تانک های خود را در اطراف پادگان مستقر می کند همان موقع به معلمین که در خود پادگان تدریس می کنند، گفته می شود که چون احتمال کودتا هست پادگان را ترک کنند.

۳- تجمع و تشکل فتودالها و حمله آن ها به روستاها و دهقانان نیز روز بروز گسترده تر می شود. که نمونه آن حمله وسیع به روستای سوسان در این اواخر می باشد (۲۲ اردیبهشت). اما دهقانان بهیچوجه حاضر به بازگشت اربابان و برقراری رابطه ارباب و رعیتی نیستند و با تمام وجود خود چه به صورت تشکل و چه به صورت منفرد در مقابل ارباب ها مقاومت می کنند. و اکنون هم که فصل دروز نزدیک است احتمال بروز دیگری سلحانه بین فتودالها و دهقانان، و گسترش آن در سطح منطقه بسیار زیاد است.

۴- اعضای شورای شهر که مردم در تظاهرات گسترده روز ۲۸ فروردین خود، انحلال آن را اعلام داشته، دست از اعمال قدرت برداشته و همچنان در مقابل مردم قرار دارد. بطوری که اکنون شورای شهر خود به عنوان يك عامل تشنج زا عمل می کند. ۵- مسلماً در چنین شرایط بحرانی که شهر دچار آن است، هر گونه نمایش یا مانور سلحانه و قدرت نمایی غیر مسئولانه می تواند موجبات بروز فاجعه دامنه داری را فراهم آورد. هم اکنون وجود سنگرهای زیاد در اطراف شهر و اطراف پادگان، بتمامی می تواند بهانه خوبی برای دخالت ارتش و کشتار مردم باشند.

این شرایط بحرانی چه وظیفه ای را در برابر نیروهای مترقی قرار می دهد؟ توده های مردم میهن ما اکنون بخوبی به این حقیقت پی برده اند که بروز هر گونه درگیری در چنین اوضاعی، جنگ ناخواسته ای را به آنان تحمیل خواهد کرد. که از این جنگ هیچکس بجز امپریالیسم و عمال مرتجع داخلی آن سود نخواهند برد. که این جنگ کلا به زبان خلق های ما تمام خواهد شد. که این جنگ نه يك جنگ حق طلبانه مردم، بلکه جنگی خواهد بود که توطئه های دشمنان مردم آن را به خلق های ما تحمیل می کند. نیروهای مترقی باید با سرعت در جهت خشتی کردن این توطئه ها بکوشند. ما معتقدیم که باید با صراحت تمام مردم میهنمان بویژه مردم منطقه را از آنچه که اتفاق می افتد آگاه کرد، حقایق را بدون پرده پوشی در معرض دید همگان قرارداد، و اقدامات توطئه گرانه مرتجعین و دشمنان مردم را بدون پرده پوشی افشاء کرد. اگر توده های مردم آگاه گردند اگر به دامی که بر سر راهشان گسترده می شود پی ببرند، آنگاه نقشه های توطئه گرانی که می خواهند مردم را آلت دست خود سازند، نقش بر آب خواهند کرد. بدین گونه زمینه تشنج و نزاع به حداقل خواهد رسید. اگر مردم حقایق را بدانند، بدون شك از ارگان های مسئول و از مقامات و مراجع مصراحت خواهند خواست که قبل از بروز هر نوع فاجعه ای در صد علاج آن برآیند. آن ها از دولت خواهند خواست که هر گونه سیاست سکوت و احياناً تأیید آمیز خود را در مقابل اقدامات توطئه گرانه و مرتجعانه کنار گذاشته و به مقابله با این اقدامات برخیزد.

«مرگ بر مرتجعین و نفاق افکنان»

## جلسه سر دسته های قیاده موقت و فتودالها در اشنویه

رؤسای قیاده موقت از جمله ادریس بارزانی، از تاریخ ۵۸/۳/۲۸ در منزل عصمت خان زرزأ (یکی از فتودال های با نفوذ منطقه) با گروهی از فتودال های منطقه تشکیل جلسه داده اند. علاوه بر فتودال ها يك روحانی که پیشنامز قریه سینگان می باشد و همچنین سید عزیز گیلانی زاده، در این جلسه شرکت کرده اند.



### درحالی که سه نماینده بازداشتی، دراعتصاب غذا هستند، سه نفتگر انقلابی دیگرم بازداشت شدند

درحالی که بیش از یک ماه از بازداشت تحریک آمیز و غیرقانونی سه تن از نمایندگان مبارز صنعت نفت می گذرد، سه کارگر مبارز دیگر نیز بازداشت شدند. این سه نفتگر انقلابی که مبارزات گسترده ای علیه رژیم سابق داشته اند عبارتند از: مجید صفاری عبدالوهاب نقیعی علی نژاد و محمد باقری. دستگیری این سه مبارز ساعت ۱۱ صبح چهارشنبه ۳۰ خرداد به وسیله مأموران کمیته انقلاب اسلامی (بدون حکم دادستانی) انجام گرفت. خانواده های این سه کارگر پس از اطلاع از دستگیری آنها به کمیته وسایل پاسداران مراجعه می کنند ولی مسئولان از دستگیری کارگران اظهار بی اطلاعی می کنند. سرانجام پس از ساعتها جستجو یکی از بستگان دستگیرشدگان از مصلح بازداشت آنها مطلع می شود. پس از چند روز و کمیته تحقیق مأمور رسیدگی به اتهامات جعلی کارگران می شوند و چون هیچگونه دلیلی برای بازداشت آنها وجود نداشت دستور آزادی فوری کارگران را

می دهند اما خانواده های این سه کارگر اظهار داشتند تا این تاریخ (۵ تیرماه) که شش روز از بازداشت کارگران می گذرد هنوز آنها آزاد نشده اند. کارگران صنعت نفت ضمن محکوم کردن دستگیری کارگران انقلابی و مبارزان برای چندمین بار به ارتجاعیون و عوامل وابسته به امپریالیسم که در اینگونه اعمال دست دارند اخطار کرده و خواهان آزادی فوری همکاران خود شدند ضمناً همسران سه نماینده کارگران صنعت نفت که رهبری اعتصاب شکوهمند نفتگران جنوب را به عهده داشتند و بیش از یکماه است ممنوع الملاقات هستند در تاریخ ۲۷ خرداد در ساختمان مرکزی شرکت نفت تهران متحصن شدند ولی به خاطر حمله گروهی از افراد مشکوک و مرتجع تصمیم گرفتند موقتاً به تحصن پایان دهند. نمایندگان بازداشت شده که "شیرمیل، ناصر حیاتی و" جواد خاتمی" نام دارند از ۲۹ خرداد در زندان دست به اعتصاب غذا زده اند.

### کارگران در سایه همبستگی و تسکین به حقوق خود ۱۰ درصد افزودند

رشت - کارگران شرکت تولیدی گفش "بیا" که بیش از ۱۳ نفر هستند بر اثر همبستگی و تسکین موفق شدند قسمتی از خواسته های خود را به مرحله اجرا در آورند این کارگران که تا یک ماه پیش روزی ۲۱ تومان مزد می گرفتند توانستند دستمزد خود را به ۳۱ تومان افزایش دهند و مابه التفاوت دستمزد را از ۱۴ ماه پیش دریافت کنند. به دنبال افزایش دستمزد، کارفرما نرخ اجناس شرکت را بالای برد و کارگران که نسبت به این موضوع اعتراض داشته اند مانع خروج کالا از کارخانه می شوند. پس از مذاکرات کارفرما با مسئولان کمیته امام و اداره کار رشت، موافقت می شود دستمزد کارگران به ۳۵ تومان افزایش یابد. کارگران خواهان دریافت مابه التفاوت دستمزد از چهار ماه پیش به بعد می شوند ولی کارفرما مقاومت می کند. روز ۳۱ خرداد کارگران در محل کارخانه اجتماع می کنند و مانع خروج کارفرما می شوند. همبستگی و یافشاری کارگران در انجام خواسته های خود منجر به پرداخت مابه التفاوت افزایش حقوق از هفت ماه پیش می شود. همچنین کارگران موفق می شوند محیط کارخانه را بهداشتی کنند و کارفرما را مجبور به احداث کانتینر (غذاخوری) و سایر وسایل مورد نیاز کارگران کنند. کار ساختمان شرکت تعاونی شروع شده است. سهام شرکت تولیدی گفش بیا متعلق به برادران عمید حضور (۴۹ درصد) بانک صنایع و معادن (۲۶٪) و شرکت کانادایی باتا (۲۵٪) است.

### در اثر مبارزات پیگیر کارگران، شورای مشترک کارخانجات کبریت سازی تبریز ۴۰ ساعت کار در هفته و تعطیل پنجشنبه ها را تصویب کرد

تبریز - شورای مشترک کارخانجات توکلی، ستا و تبریز و صدقیانی در یک تصمیم مشترک اعلام کردند: "کارگران ۴۰ ساعت در هفته کار میکنند و پنجشنبه ها کارخانه تعطیل خواهد بود. همچنین شورای مشترک مرخصی سالیانه را از ۱۲ روز به یکماه افزایش داد. تصمیم شورای مشترک به دنبال مبارزات پیگیر کارگران کارخانه های کبریت سازی تبریز اتخاذ شد و در یک قطعنامه به تصویب رسید. این قطعنامه نمایندگان شورای کارخانه کبریت سازی توکلی پس از تصویب قطعنامه سه کارخانه های کبریت سازی متشکل از صدقیانی رفتند ولی چون از ورود آنها به محل کارخانه جلوگیری شد، نمایندگان این کارخانه به محل کبریت سازی توکلی آمدند و در یک جلسه مشترک قطعنامه ها را تصویب کردند. تصویر این قطعنامه مشترک به اتانید کامل کارگران روبرو شد و رونوشت آن جهت اطلاع برای مسئولان این کارخانه ها ارسال شد. کارگران کارخانجات کبریت سازی که مبارزات پیگیری علیه استثمارگران و عوامل آنها داشتند ۴۰ ساعت کار در هفته و تعطیل پنجشنبه ها و افزایش مرخصی سالیانه به یکماه راحق طبیعی خود می دانند و اعلام داشتند برای گسترش این حقوق به سایر کارخانجات، پشتیبان سایر کارگران خواهند بود.

### پایان تحصن ۸۵ روزه کارگران پارک پرنس

تهران - کارگران مبارز پارک پرنس که از ۸۵ روز پیش در محل این شرکت متحصن بودند پس از مذاکراتی که با نمایندگان دادستانی، وزارت کار و کارفرما داشتند، موقتاً به تحصن خود پایان دادند. بر اساس این مذاکرات قرار شد کلیه حقوق کارگران تا ۲۵ تیرماه

پرداخت شود. در آخرین روزهای تحصن که تا ۲۵ تیرماه ادامه داشت چهار ده خانواده در جمع کارگران بودند. کارگران پارک پرنس با تسکین و همبستگی خود موفق شدند عاملان ضد کارگر را افشا کنند و طرحی برای دریافت حقوق خود ارائه دهند.

### اخبار کوتاه کارگری

اهواز - کارگران نیروگاه رامین که بیش از ۷۰۰ نفر هستند و برای گرفتن مزایا و ترمیم حقوقشان که معادل ۷۰ درصد حقوق ماهیانه است، همچنان به مبارزه ادامه می دهند. شورای عنقره کارگران تاکنون موفق شدند حقوق و مزایای ۱۵۰ کارگر اخراجی را برای آنها دریافت کند. "نیکی" پیمانکار قبلی نیروگاه ۹ میلیون تومان نزد شرکت دارد که کارگران خواهان دریافت آن هستند. ضمناً "ذکائی" پیمانکار جدید از بستگان فرماندار اهواز است و سبابت صدکارگری دارد.

آستارا - (نمین) کارگران شرکت راهسازی مهدی ایران که در حاد جدید آستارا - اردبیل کاری کنند در تاریخ ۲۲ خرداد ۵۸ برای کاهش ساعات کار و افزایش دستمزد دست به اعتصاب زدند این کارگران که بیش از ۱۲ ساعت در روز در گرمای طاقت فرسا کاری کنند در راه ۳۰۰۰ ریال دستمزد می گیرند. کارگران خواهان ۸ ساعت کار و افزایش دستمزد مرخصی سالیانه و رسیدگی به وضع بیمه خود شده اند. آنها "مهندس جهانبخش" کارفرمای شرکت را عامل استثمار خود می دانند.

تبریز - کارگران بیکار تبریز که هر روز در محل دبیرستان ارم اجتماع می کنند، تصمیم گرفته اند برای مبارزه جدی با سرمایه داران و به دست آوردن کار، یک اتحادیه سراسری کارگری در سطح استان تشکیل دهند. کارگران در سخنرانیها و مذاکرات خود اقدامات دولت را در بسیاری از زمینه ها دفاع از منافع سرمایه داران می دانند.

تبریز - روز سه شنبه ۲۹ خرداد ۸۰ نغرا کارگران شرکت فرانسوی آلستوم که در نیروگاه حرارتی کاری کرده اند در اداره نیروی انسانی تبریز اجتماع کردند و خواهان بازگشت به کار شدند کارفرمایان شرکت که فرانسوی و ژاپنی هستند به کارگران پیشنهاد کرده اند که یکماه حقوق دریافت کنند و از شرکت خارج شوند ولی کارگران این پیشنهاد را ناطقه ای از جانب کارشناسان خارجی و عاملان داخلی آنها می دانند و بازگشت به کار و دریافت کلیه حقوق و مزایای عقب افتاده خود به مبارزه ادامه می دهند.

ارومیه - کارگران شرکت آجر ماشینی ارومیه به خاطر عدم رسیدگی مدیرعامل کارخانه به خواسته هایشان روز چهارشنبه ۶ تیرماه در مقابل مسئولان استانداری اجتماع کرده و قطعنامه ای در ۱۳ ماده صادر کردند. بازگشت کارگران اخراجی به سرکار خود، پرداخت سود سهام سالهای ۵۶ و ۵۷ حق مسکن، حق اولاد، اضافه کار و مزایای افزایش حقوق از جمله خواسته های کارگران است.

قلم شهر (شاهی سابق) - کارگران نساجی شماره ۱ شاهی در اعلامیه ای به نام نساج بیدار ضمن افشای مهندس شهاب رئیس کارخانه و رفتار توهین آمیز او نسبت به کارگران و کتک زدن یک کارگر اشاره کرده و خواهان اخراج این عنصر ضدکارگر و تعقیب قانونی او شده اند.

زاهدان - ۳۰۰ تن از کارگران و رفتگران شهرداری زاهدان به عنوان پائین بودن حقوق روز دوشنبه چهارم نیر دست از کار کشیدند و خواهان عملی شدن قول دولت در مورد دریافت حداقل حقوق ۲۵۰۰ تومان شدند. حقوق این کارگران بین ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ تومان است.

\* \* \*

### کارگران ذوب آهن:

### از آپارتمانهای فولاد شهر بیرون نمی رویم

اصفهان - گروهی از کارگران ذوب آهن پس از پیروزی قیام در آپارتمانهای فولاد شهر مستقر شده اند از جانب مسئولان شرکت ذوب آهن برای تخلیه آپارتمانها تحت فشار قرار گرفته اند. این کارگران که قبلاً در اطرافهای مخروبه ۳۲ متری که در یک منطقه بیابانی به نام "نهالستان" واقع است سکونت داشته اند، حاضر به ترک آپارتمانها نیستند.

اصفهان - گروهی از کارگران ذوب آهن پس از پیروزی قیام در آپارتمانهای فولاد شهر مستقر شده اند از جانب مسئولان شرکت ذوب آهن برای تخلیه آپارتمانها تحت فشار قرار گرفته اند. این کارگران که قبلاً در اطرافهای مخروبه ۳۲ متری که در یک منطقه بیابانی به نام "نهالستان" واقع است سکونت داشته اند، حاضر به ترک آپارتمانها نیستند.

### دفاع شورای چومساری

### تبریز از منافع کارگران

تبریز - شورای کارگران چومساری خسروی که پس از پیروزی قیام با همبستگی و تشکیل کارگران به وجود آمده به فعالیت های خود در جهت دفاع از منافع کارگران ادامه می دهد. شورای کارگران که پس از برکناری "اصغر اصغرزاده" از نمایندگی کارگران و اخراج مدیرعامل و دو مهندس انگلیسی و هندی به افزایش حقوق کارگران به دو برابر حقوق سابق، تصمیم گرفت محصولات تولید شده را مستقیماً به بازار عرضه کند. با اینکه شورای کارگران با مشکلاتی روبرو است، اما با خاطر حمایت یکپارچه کارگران توانسته اقدامات ارزنده ای انجام دهد. گروهی از کارگران کارخانه چومساری خواستار برکناری "جاویدان رئیس" کارخانه شده اند. وی ۱۵ میلیون ریال از اجناس کارخانه را برده و همچنین ۵۰۰ هزار ریال به کارگران بدهکار است. شورای کارگران چومساری بر سر رسیدگی به حسابهای کارخانه و وصول حقوق کارگران از رئیس کارخانه، نماینده ای را به وزارت کار فرستاده است.

### تشکیل سندیکای کارگران در زاهدان

زاهدان - کارگران عملیات مالچ سیستان (شرکت جلویی از حرکت شنهای روان) پس از مبارزات طولانی موفق شدند سندیکای خود را تشکیل دهند و در تاریخ ۲۴ خرداد ۷۷ عضو هیئت مدیره سندیکار انتخاب کنند. کارگران که بیش از ۸ نفر هستند پس از تشکیل سندیکا نخستین خواسته های خود را به شرح زیر اعلام داشتند: ۱- پرداخت ماهیانه ۷۵۰۰ ریال حق مسکن که از تاریخ ۷۷/۷/۱ پرداخت نشده است. ۲- پرداخت ۲۵۰۰۰ ریال عیدی سال ۵۸ که به کلیه کارمندان پرداخت نشده است. ۳- رسیدگی به حسابها و اسناد و مدارک هزینه های سال گذشته و استفاده های "شهابی و فرشاد" (رئیس و کارپرداز اداره سرچنگلدار سیستان) ضمناً کارگران خواستار عدم دخالت اداره سرچنگلدار سیستان در امورشان هستند.

### تحصن کارکنان سازمان ملی خدمات اجتماعی

کارکنان سازمان ملی خدمات اجتماعی برای رسیدن به خواسته هایشان از تاریخ سی ام خرداد دست به تحصن نامحدود زده اند. خواسته های متحصنین به قرار زیر است: ۱- برکناری سرپرست موقت این سازمان به علل زیر: الف - داشتن سوابق نامطلوب در گذشته. ب - اتخاذ تصمیماتی برخلاف اهداف انقلاب از قبیل اخراج افراد آزمایشی و قراردادی، قطع غیرقانونی حقوق و مزایای پانزده تن از همکاران، زدن تهمت ضدانقلاب به کارکنان صدیق سازمان. ج - عدم رسیدگی به سوءاستفاده افراد وابسته به رژیم دستبرده اسناد و مدارک مربوط به سوءاستفاده. ۲- تعیین یک مدیر تصفیه صلاحیت به منظور رسیدگی به پرونده های افراد فاسد و سوءاستفاده جوهر همچنین ادغام کارکنان سازمان مرکزی در تشکیلاتی که به وزارتخانه های بهداشتی و بهزیستی آموزش و پرورش و ارشاد ملی واگذار شده و با خواهد شد. بر اساس طرح ارائه شده از جانب اتحادیه کارکنان.

### اجتماع ناکسی رانان رابرم زند

تهران - تاکسیرانان تهران روز جمعه ۸ تیرماه برای انتخاب نمایندگان خود در سالن ورزشی کارگران اجتماع کردند. هدف این اجتماع گسترش آن صدها تاکسیران شرکت داشتند. انتخاب نمایندگان واقعی تاکسیرانان و اعلام باطل بودن انتخابات قبلی بود که در آن افراد مشکوک را به عنوان نمایندگان تاکسیرانان معرفی کرده بودند. هنگامی که کاندیداهای می خواستند خود را معرفی کنند گروهی به میان جمعیت آمدند و با جارو و جنگال انتخابات رابرم زدند تاکسیرانان اعلام کردند نمایندگان تحمیلی را بر رسمیت نمی شناسند و برای انتخاب نمایندگان واقعی خود با هم اجتماع می کنند.

# فعالیت خود را به سندیکا محدود نکنیم

